

بررسی ارتباط تحولات شامات با اتفاقات پیش از ظهور با رویکرد تأویل آیات اولیه

سوره اسراء

سید مجتبی معنوی^۱

چکیده

مقاله پیش‌رو، ارتباط طوفان الاقصی با حوادث قبل از ظهور را به بحث گذارده است. هدف تحقیق، بررسی ارتباط تحولات منطقه شامات با ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. ضرورت پرداختن به این مقوله، رهایی از سوگیری‌های شناختی و پیشگیری از خطاهای تطبیقی درباره اتفاقات فلسطین به عنوان یکی از کانون‌های درگیری منطقه شامات در آخرالزمان است. روش تحقیق در مقاله، از نوع توصیفی - تحلیلی بر پایه تأویل آیات نخستین سوره اسراء است. گمانه‌زنی‌های با رویکرد تطبیق اتفاقات منطقه شامات با گزارش‌های روایی مربوط به آخرالزمان، چندان قوی نیستند. مصداق‌یابی تأویل آیات نخستین سوره اسراء، بیان‌گر وحدت نظر مفسران درباره تحقق وعده اولی نیست؛ لکن با توجه به یافته‌های تحقیق، آیات مربوط به مهدویت به وعده الهی و تحقق سنت‌های الهی ناظر است و جبهه مقاومت مشمول نصرت الهی است و در حال ایجاد آمادگی برای ظهور است.

واژگان کلیدی: مهدویت، جبهه مقاومت، آخرالزمان، تأویل، اسراء، فلسطین، شامات.

۱. پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار بویا. sm.manvi@chmail.ir

مقدمه

ارتباط بین وقایع فلسطین و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موضوعی پیچیده و چند وجهی است و قابلیت بررسی در مباحث دینی، تاریخی و اجتماعی را دارد. پژوهش حاضر به تحلیل وجوه این ارتباط می‌پردازد.

۱. منابع دینی

در متون اسلامی، ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان مهم‌ترین پدیده آخرالزمان معرفی می‌شود. بسیاری از روایات به تشدید فشارها و ظلم‌ها بر مسلمانان و دیگر مظلومان (به عنوان نشانه‌هایی از نزدیک شدن به ظهور) اشاره دارند. برای نمونه از خروج سفیانی در سرزمین‌های شام، از جمله فلسطین خبر داده شده است.^۱ این گزارش و نظایر آن، در زمینه وقوع منازعات و ظلم‌ها در فلسطین به وضوح نمود پیدا می‌کند.

۲. نقش فلسطین در تاریخ اسلام

«فلسطین» به عنوان سرزمینی مقدس، در تاریخ اسلام و در تمام ادیان ابراهیمی شناخته می‌شود. این سرزمین با داشتن مکان‌هایی مانند مسجد الاقصی از بعد روحانی و تاریخی قابل توجه است. بارزترین آن‌ها معراج پیامبر از مسجد الاقصی است.^۲ علاوه بر این، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای یاری کردن عیسی به منظور کشتن دجال در باب لد فلسطین وارد می‌شود.^۳ به همین لحاظ، انسان‌های مختلف، به ویژه مسلمانان، نسبت به وقایع موجود در این منطقه حساس هستند.

۳. جغرافیای سیاسی و مظلومیت مسلمانان

جنگ‌ها و منازعاتی که در فلسطین در حال وقوع است، به عنوان نمونه‌ای از مظلومیت

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲ ص ۶۵۱.

۲. اسراء: ۱.

۳. عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۵، ص ۲۲۳.

مسلمانان در برابر ظلم‌های جهانی به شمار می‌رود. این مظلومیت‌ها بسیاری از مسلمانان را به یاد وعده‌های دینی می‌اندازد که بر اساس آن، ظهور یک منجی، ظلم‌ها را از بین می‌برد و عدالت را برقرار می‌کند. برای نمونه امام صادق علیه السلام به بجلي فرموده است: «وقتی تحولات در منطقه شامات، از جمله دمشق و فلسطین صورت گرفت، منتظر فرج باشید»^۱.

۴. تحلیل اجتماعی و فرهنگی

بسیاری از اندیشمندان مسلمان اعتقاد دارند که وقایع فلسطین نه تنها تأثیر اجتماعی و فرهنگی عمیقی بر مسلمانان دارد، بلکه مسلمانان را به حرکت و تفکر در مورد مهدویت و ضرورت وجود رهبری جهانی رهنمون می‌سازد. این تفکر بر احساس امید و انتظار در دل مسلمانان تأثیر می‌گذارد. مقام معظم رهبری مسئله فلسطین و اتفاقات آن را بسیار مهم و مسئله همه دنیای اسلام دانسته‌اند. در منظومه فکری ایشان، قضیه فلسطین کلید رمزآلود گشوده شدن درهای فرج به روی امت اسلامی است و دنیای اسلام باید مسئله فلسطین را مسئله خود بداند تا در سایه تحقق وعده‌های الهی، فلسطین به ملت فلسطین برگردد.^۲

در همین زمینه، بیداری فطرت انسان‌های آزاده در سراسر جهان قابل اشاره است که آنان را برای دفاع از مظلوم متحد ساخته است. اعتراضات گسترده در سراسر جهان، از جمله دانشگاه‌های آمریکا و حضور فعالان یهودی ضد صهیونیست در اعتراض به نسل کشی فلسطینیان، می‌تواند نیاز به منجی موعود را برای برقراری عدالت و ریشه‌کنی ظلم تقویت کند.

به این لحاظ، ارتباط بین وقایع فلسطین و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نوعی نشان‌دهنده پیوندهای عمیق تاریخی، دینی و اجتماعی است. این روابط می‌تواند موجب توجه مسلمانان به مسائل موجود در فلسطین و ضرورت حمایت از مظلومان گردد و فرهنگی از امید و انتظار برای ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به وجود آورد. به طور کلی، این ارتباط، هم از منظر دینی و هم از منظر اجتماعی، موضوعی مهم و مورد بحث در جوامع اسلامی است.

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۲.

۲. کنفرانس بین‌المللی قدس و حمایت از حقوق مردم فلسطین، ۱۳۸۵/۱/۲۵.

در این میان، تحولات دمشق و فلسطین، از یک سو به عنوان پیشران حوادثی که با ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همخوان است، در شمار پدیده‌های معطوف به مهدویت جلوه می‌کند و یاد آور علو و فساد بنی اسرائیل و مارقه‌الروم^۱ گشته است، و از یک سو، به اندازه‌ای پیچیده و مبهم است که رمز و راز آن می‌تواند حقیقت را در غبار خود پنهان سازد؛ چرا که آنچه در منطقه شامات روی می‌دهد، از سقوط سوریه تا اشغال فلسطین سناریو آمریکایی. اسرائیلی است که بعضاً رویدادی منطبق بر گزارش‌های روایی تلقی می‌شود. قرآینی وجود دارد که نشان می‌دهد تحولات منطقه شامات از سوی اسرائیل و متحدانش به منظور کنترل امت اسلامی و تضعیف آن روی می‌دهد. حضور نظامی آمریکا با حمایت تمام قد از اسرائیل و دخالت در امور منطقه شاهد این ادعا است. با این وضع، بعضی تلاش می‌کنند تا اتفاقات منطقه شامات را بر علائم و شرایط ظهور تطبیق و سعی دارند تا مخاطب را قانع کنند، به وقوع پیوستن مسئله مورد نظر آن‌ها گزاره‌ای است که در متون دینی به آن اشاره شده است.^۲

بازنمایی حقیقت در این زمینه کار ساده‌ای نیست و به تحقیق نیازمند است. برای روشن شدن مطلب در این پژوهش، محورهای ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد:

- پیش‌بینی‌ها و نشانه‌های ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در متون دینی؛
- حقیقت و هویت بنی اسرائیل از دیدگاه مفسران؛
- ارتباط اتفاقات منطقه شامات، به ویژه فلسطین با ظهور.

۱. «مارقه‌الروم» یکی از اتفاقات پیشا ظهور است که در روایات مورد اشاره قرار گرفته است. در این اتفاق جایبه دمشق (بلندی‌های جولان) و در پی آن، دمشق سقوط می‌کند و مورد هجوم ترک‌ها قرار می‌گیرد. جزیره کویانی و عین‌العرب در سوریه اشغال می‌گردد. سپس رومی‌ها (غربی‌ها) به منطقه هجوم می‌آورند [= خروج می‌کنند] و مارقه‌الروم شکل می‌گیرد و رمله به تصرف آنان در می‌آید. این اتفاقات به بحران در سوریه منجر می‌شود و در نهایت خروج سفیانی روی می‌دهد (نعمانی، ص ۱۳۹۷، ص ۲۸۰).

۲. برای نمونه، رائفی پور و شجاعی تحولات فلسطین را به استناد دیدگاه رهبری که در سال ۱۳۸۵ در کنفرانس فلسطین مطرح شد، مرتبط با ظهور امام مهدی می‌دانند (www.aparat.com/v/e63i4fy).

پیشینه تحقیق

علیرضا شریف و سید حسن خلیفه واقفی با پژوهشی در این زمینه، زمان تحقق نابودی صهیونیسم را بر اساس آیات نخستین سوره اسراء کاوش کرده و به این حقیقت رسیده‌اند که مفهوم آن‌ها به فساد بنی اسرائیل در آینده پس از اسلام ناظر است. به نظر ایشان، تدبیر در آیات نشان می‌دهد زنجیره متوالی فساد بنی اسرائیل و علو کبیر آنان در آخر الزمان در اواخر دوران غیبت کبرا روی خواهد داد و با ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، یاران آن حضرت که همان اولی باس شدید هستند، وعده الهی نابودی اسرائیل را محقق خواهند ساخت.^۱

محمد شهبازیان و محمد باغلی دیدگاه تحریف‌گرایانه رابطه فلسطین و ظهور را بازخوانی کرده‌اند و با تأکید بر توجه به سنت‌های الهی، گزارش منقول از امام علی علیه السلام با محتوای ورود مردمانی از مشرق زمین به فلسطین برای نابود کردن اسرائیل را مورد تردید دانسته و دریافته‌اند نگرش تطبیق‌گرایانه به مسئله فلسطین بدون در نظر گرفتن سنت‌های الهی توجیه ندارد.^۲

مصطفی امیری در کتاب مارقه الروم، آیات نخستین سوره روم را واکاوی کرده و شکست رومیان توسط یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در «ادنی الارض» به بحث گذارده و با تأویل این منطقه به شام و فلسطین، فتح این سرزمین را بشارت قرآن دانسته است.^۳

با وجود این، در آثار مذکور به همگرایی تحولات منطقه شامات با اتفاقات پیش‌ظهور با رویکرد تأویل آیات نخستین سوره اسراء و سرگذشت بنی اسرائیل پرداخته نشده است. از این منظر، پیوند دادن تحولات شامات و نابودی اسرائیل به عنوان زمینه ظهور، به تحلیل این مسئله با رویکرد تأویل آیات نخستین سوره اسراء نیازمند است که در ادامه پژوهش به آن پرداخته می‌شود.

پیش‌بینی‌ها و نشانه‌های ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در متون دینی

در متون اسلامی، نشانه‌هایی از وقوع جنگ‌ها، ظلم‌ها و فساد قبل از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر

۱. شریف و خلیفه واقفی، مطالعات بیداری اسلامی، ۱۴۰۲، ش ۱.

۲. شهبازیان و باغلی، بازخوانی دیدگاه تحریف‌گرایانه رابطه فلسطین و ظهور در پرتو ضرورت توجه به سنت‌های الهی.

۳. امیری، مارقه الروم.

شده است.^۱ در این زمینه منازعات و بحران‌ها در فلسطین می‌تواند به عنوان یکی از نشانه‌های نزدیک شدن به این زمان در نظر گرفته شود.

از آن‌جا که بیش‌ترین اطلاعات موجود و قابل اعتماد در این زمینه آیات قرآن کریم و روایات است در ادامه پژوهش به تأویل آیات نخستین سوره اسراء پرداخته می‌شود.

تحولات غرب آسیا در منطقه شامات، به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل جهان اسلام این احتمال را ایجاد کرده است که آنچه امروز در فلسطین و منطقه شامات روی می‌دهد، همان فساد است که بنی اسرائیل در زمین به پا می‌کنند و خداوند متعال برای مقابله با آنان، گروهی را می‌فرستد تا وعده الهی را محقق سازند.

از دیدگاه مفسران، این عده، از یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به شمار می‌روند و تحولات شامات در شمار اتفاقات پیش‌ناظر قرار می‌گیرد. متأسفانه اطلاعات دقیقی در مورد قوم بنی اسرائیل و سرگذشت تاریخی و زیست بوم اقوام ایشان از گذشته تا کنون در دست نیست. بیش‌ترین اطلاعات موجود و قابل اعتماد در این زمینه آیات قرآن کریم و روایات است که در آن‌ها به صورت کلی به نابودی بنی اسرائیل اشاره شده است؛ اما جزئیات آن با ابهام مواجه است.

در آیات ۴ و ۵ سوره اسراء خداوند می‌فرماید:

و در کتاب به فرزندان اسرائیل خبر دادیم که قطعاً دو بار در زمین فساد خواهید کرد، و قطعاً به سرکشی بسیار بزرگی برخواید خاست.» پس آن‌گاه که وعده نخستین آن دو فرا رسد، بندگان خود را که در رزم بسیار قوی هستند، بر شما می‌گماریم؛ به گونه‌ای که تا درون خانه‌ها شما را تعقیب می‌کنند و این وعده محقق خواهد شد.

واژه «قضا» در اندیشه اسلامی معانی مختلفی دارد؛ اما مراد از «قضینا» در آیه شریفه به معنی فهماندن و آگاه کردن است؛ چنان که در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است: «﴿وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۷.

إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ ﴿مَعْنَاهُ عَلِمْنَا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ﴾.^۱

تحلیل آیه شریفه مذکور، در پرتو روایات تفسیری نشان می‌دهد: اشاره قرآن کریم به فساد قوم بنی اسرائیل صرفاً پیشگویی نیست، بلکه سخن از وعده الهی و مجازات سختی است که مشمول قانون الهی است؛ یعنی آنچه بنی اسرائیل مرتکب می‌شود، عمل معمولی و فسادی قابل گذشت نیست. فساد آنان خشم الهی را برانگیخته و لذا مشمول عذاب خواهند بود و خداوند وعده به عذاب آن‌ها داده است و به این وعده عمل می‌کند.

به این لحاظ، دو وعده به بنی اسرائیل داده شده است: اولی به استناد: ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا﴾^۲ و دومی به استناد: ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ﴾^۳ ظاهر این دو آیه حاکی از وعده الهی به سرکوب فسادهاست و وعده خداوند تخلف‌ناپذیر است: ﴿وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا﴾.^۴

با این حال، برخی از مفسران^۵ معتقدند که وعده اول به بازگشت کلی و فراگیر بنی اسرائیل به سرزمین موعود اشاره دارد و هنوز به طور کامل محقق نشده است. این دیدگاه بیش‌تر در میان مفسران معاصر رواج دارد.

در نهایت، زمان دقیق تحقق وعده اول همچنان مورد بحث است و برداشت‌های مختلفی از آن وجود دارد؛ هرچند، دیر یا زود وعده الهی در باره یهود محقق خواهد شد و جنایات آنان هر اندازه هم پیچیده و سازمان‌یافته باشد، از وعده عذاب الهی در امان نیست.

با وجود این، اگر از این زاویه هم به آنچه در منطقه شامات می‌گذرد، بنگریم، بازهم به دلیل عدم هماهنگی اتفاقات منطقه شامات با سایر علائم ظهور، با مقوله مهدویت و اتفاقات پیشاظهر

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۲۵.

۲. اسراء: ۵.

۳. همان، ۷.

۴. همان، ۵.

۵. برای نمونه، طبری در تفسیرش وعده الهی را تحقق یافته می‌داند. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص ۱۷). سید قطب نیز با دیدگاهی متفاوت معتقد است وعده الهی تحقق پیدا کرده است. (سید قطب، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۳۰۸). آیت الله مکارم هم براین باورند که وعده الهی در باره بنی اسرائیل محقق شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۳۰).

ارتباطی مشاهده نمی‌کنیم و محملی برای تطبیق نمی‌یابیم، مگر آن که رژیم فاسد صهیونیستی را مصداق بنی اسرائیل بدانیم که ظلم ایشان سراسر زمین را فرا گرفته است و باید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند تا با دست قاهر و قدرتمند الهی گردن ظالم را بشکند؛ لکن قرینه یا دلیل محکمی بر این مطلب وجود ندارد.

علاوه بر این، سنخ این گونه اتفاقات در روایات مهدویت، مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. لاقلاً اگر مردود هم نباشد مقبول نیست؛ چرا که در پرتو تحلیل روایات مهدویت می‌توان دریافت، ظلمی که جهان از آن پر شده است و در زمان ظهور از بین خواهد رفت؛ استضعاف امت واحده و تجزیه حکمرانی اسلامی است. به زبان ساده، بدتر از ظلم و جنایات کشتار مظلومان، کنار گذاشتن حکمرانی اسلامی و جایگزین کردن حاکمیت استکبار و ایادی آن در جغرافیای اسلام است که به صورت غیر ملموس از وسعت مرزهای اسلامی و جغرافیای سیاسی اسلام، به شدت کاسته و جماعت کثیر اسلامی و حقوق آنان را نادیده گرفته است، یا به دید حداقلی به آنان می‌نگرد.

به این لحاظ، صرف بازگرداندن فلسطین به آغوش اسلام، به معنای رهایی از ظلم دوران غیبت نیست. شاهد این ادعا عدم رضایت ائمه علیهم السلام به بازگرفتن فدک از سوی غاصبان آن و تقاضای حاکمیت ممالک اسلامی است. لذا امام کاظم علیه السلام به بازترسیم حدود آن تا عدن، سمرقند، آفریقا و شمال دریای خزر تا ارمنستان می‌پردازد.^۱

در حقیقت، ظلم بیرونی یا همان جبهه مستکبران خارجی و مستبدان داخلی حامی اسرائیل به صورت فراگیر با رشد فزاینده، به عنوان عقبه پیکان به رژیم خبیث صهیونیستی نیرو می‌بخشد تا قلب امت وسط^۲ را در غرب آسیا از کار بیندازد.

به این لحاظ، جنایات رژیم خبیث صهیونیستی بخشی از ظلم مشهودی است که در تجزیه حکمرانی کشورهای اسلامی از سوی مستکبران ریشه دارد. آمریکا برای انجام معامله قرن، تمام قد از اسرائیل حمایت و به‌رغم بیداری اسلامی در کشورهای عربی، عمال دست‌نشانده خود را از

۱. جزائری، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۳۰۲.

۲. بقره: ۱۴۳.

پشتیبانی جبهه مقاومت منح می‌کند؛ در حالی که برای حفظ حیات رژیم خبیث صهیونیستی بین کشورهای اروپایی و بعضا عربی، ائتلاف ایجاد می‌کند.

گذشته از این، مفهوم ظلم پیشا ظهور که زمین از آن پر خواهد شد، مفهوم بسیار وسیعی است که نسل کشی مسلمانان در منطقه شامات به یکی از معانی آن ناظر است. به همین سبب، حوادث تلخ سوریه و فلسطین را نمی‌توان علت تامه و رویدادی مؤثر بر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانست.

حقیقت و هویت بنی اسرائیل از دیدگاه مفسران

دقت در دیدگاه مفسران نشان می‌دهد آیات اولیه سوره اسراء، نوید بخش تحقق وعده الاهی در باره بنی اسرائیل و حضور «اولی باس شدید» به عنوان یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران پیشاظهور هستند.

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که اولی باس شدید چه کسانی هستند که بنی اسرائیل را تنبیه و با فساد آنان مبارزه می‌کنند؟ بر پایه این سؤال این پرسش مطرح است که آیا تحولات منطقه شامات می‌تواند مصداق تأویل آیات نخستین سوره اسراء و براین اساس می‌تواند نوید بخش تحقق وعده الاهی باشد؟!

از دیدگاه مفسران، قضای وعده الاهی در باره فساد بنی اسرائیل حتمی است و ایشان تنها قومی هستند که در مقایسه با اقوام دیگر باقی مانده و فساد آنان مشمول قضای است؛ لکن در باره اتفاقاتی که برای قوم بنی اسرائیل رخ می‌دهد، اتحاد نظر وجود ندارد و تأویل‌های مختلفی ارائه شده است.

طبری سرکوبی بنی اسرائیل را به دست بخت النصر، پادشاه بابل دانسته است که صد سال قبل از میلاد بر یهود هجوم آورد و بیت المقدس را ویران کرد. در اثر حمله او هفتاد سال بیت المقدس به همان حال باقی ماند تا این که یهود قیام و آن را بازسازی کردند.

دومین کسی که بر آن‌ها هجوم آورد، اسپیانوس، قیصر روم بود که وزیرش، طرطوز را برای این

کار مأمور کرد. او بیت المقدس را تخریب و بنی اسرائیل را قتل عام کرد.^۱ از آن جا که اتفاقات مذکور، قبل از میلاد بوده است، امکان تطبیق آن بر حوادث امروز فلسطین وجود ندارد و در شمار حوادث پیشاظهر نیست.

سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن با ارائه تفسیری متفاوت بر این باور است که زنجیره وقایع بنی اسرائیل مربوط به گذشته مربوط نیست، بلکه به آینده مربوط است که یکی از آن‌ها احتمالاً فساد ایشان در آغاز اسلام بوده است که به قیام مسلمانان بر ضد آنان منجر شد و به فرمان پیامبر ﷺ به کلی از جزیره العرب بیرون رانده شدند و دیگری به قیام نازی‌های آلمان به ریاست هیتلر بر ضد یهود مربوط بوده است.^۲

هرچند نظر سید قطب در مقایسه با دیدگاه طبری بسیار متفاوت است و با تمرکز بر زنجیره وقایع بنی اسرائیل آن‌ها را مربوط به آینده دانسته است؛ چنین دیدگاهی به اشکال نظریاتی مبتلا است. علاوه بر این، اشکال دیگری که در نظر سید قطب وجود دارد، این است که هیتلر وارد مسجد الاقصی نشده است تا چه رسد به این که آن را ویران کرده باشد.

گذشته از این، هیتلر و بخت النصر نمی‌توانند مصداق «عبادالنا» باشند و به این لحاظ، حتی در صورت پذیرش دیدگاه مفسران درباره آن‌ها، تأویل آیات نخستین سوره اسراء با این رویکرد همچنان مورد تردید است.

آیت الله مکارم شیرازی وقایع زنجیره قوم بنی اسرائیل را به رویدادهای بعد از جنگ جهانی دوم مربوط دانسته‌اند که در پس آن، حزبی بنام «صهیونیسم» دولت اسرائیل را در قلب ممالک اسلامی تشکیل داد. در نظرگاه تفسیری ایشان، منظور از فساد اول بنی اسرائیل و برتری جویی آن‌ها همین است و منظور از انتقام اول، آن است که ممالک اسلامی در آغاز که از این توطئه آگاه شدند دست به دست هم دادند و توانستند بیت المقدس و قسمتی از شهرها و قصبات فلسطین را از چنگال یهود بیرون آورند و نفوذ یهود از مسجد الاقصی به کلی قطع شد.

۱. طبری، دلائل الامامه، ج ۱۵، ص ۱۷.

۲. سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۵، ص ۳۰۸.

از دیدگاه ایشان، منظور از فساد دوم هجوم بنی اسرائیل با اتکالی نیروهای استعماری جهان خوار و اشغال سرزمین‌های اسلامی و گرفتن بیت المقدس و مسجد الاقصی است. و به این ترتیب، مسلمانان باید در انتظار پیروزی دوم بر بنی اسرائیل باشند؛ به گونه‌ای که مسجد الاقصی را از چنگال آن‌ها بیرون آورند و نفوذشان را از این سرزمین اسلامی به کلی قطع کنند، این همان چیزی است که همه مسلمین جهان در انتظار آنند و وعده فتح و نصرت الاهی است.^۱

علامه طباطبایی با تمرکز بر زنجیره وقایع بنی اسرائیل به این حقیقت رسیده است که آیات نخستین سوره اسراء این واقعیت را بیان می‌کند که بنی اسرائیل در هر دو نوبت فساد، از سوی يك طایفه سرکوب می‌شوند؛ وگرنه خداوند در قران نمی‌فرمود ﴿ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ﴾؛ زیرا این عبارت اشعار بر این دارد که خداوند بنی اسرائیل را نیرو بخشید تا توانستند بر دشمنان بار اول خود غلبه کنند و تلافی در آوردند. جمله ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ﴾؛ نیز اشعار بر این دارد که برای نوبت دوم بر همان دشمنان غلبه کردند. دلیل این ادعا آن است که ضمیر جمع در این جمله به «عِبَادًا لَنَا» برمی‌گردد.^۲

بازنمود تفسیر و تأویل آیات قران کریم نشان می‌دهد که فساد قوم بنی اسرائیل از منظر تفاسیر با آشفتگی و پیچیدگی محتوایی روبه‌رو است و ارتباط فساد اول و دوم بنی اسرائیل از دیدگاه روایات و تحقق وعده الاهی اول و دوم با ابهاماتی مواجه است.

ابهام نخست: آشفتگی روایات در بیان هویت بنی اسرائیل

الف) بنی اسرائیل، یعنی اهل بیت، اولی باس امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ السَّمَوَاتِ و یاران

در برخی روایات مراد از بنی اسرائیل امام علی و امام حسین عَلَيْهِمَا السَّلَامُ دانسته شده است که پس از شهادتشان انتقام آن‌ها توسط گروهی از یاران امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ السَّمَوَاتِ گرفته خواهد شد.^۳

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۳۰.

۲. طباطبایی، المیزان، ج ۱۳، ص ۵۹.

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲ ص ۲۸۱ و کلینی، الکافی، ج ۸ ص ۲۰۶.

ب) بنی اسرائیل، یعنی بنی امیه، اولی باس امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الکریم و یاران او

در تفسیر قمی بنی اسرائیل، بنی امیه دانسته شده‌اند که با ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الکریم و ورود پیامبر و امام علی علیه السلام به مسجد الاقصی روسیاه خواهند شد.^۱

ابهام دوم: عدم امکان تعیین دقیق مصداق تأویل آیات

ابهام دوم آن است که نظیر یابی تأویل آیات در موضوعات مختلف، مانع تطبیق و تعیین مصداق آن‌ها است. برای نمونه، طبری در تفسیرش از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نقل کرده است:

مراد از فساد اول، قتل حضرت زکریا و گروهی دیگر از پیامبران است و منظور از وعده نخستین، وعده انتقام الهی از بنی اسرائیل به وسیله «بخت النصر» است و مراد از فساد دوم، شورشی است که یهودیان، بعد از آزادی به وسیله یکی از سلاطین فارس مرتکب شدند و دست به فساد زدند و مراد از وعده دوم، هجوم «انطیاخوس» پادشاه روم است.^۲

از دیدگاه مفسران، نظر طبری صحیح نیست؛ زیرا چنان‌که در تفسیر نمونه آمده است، جدا از این که راوی این حدیث مورد وثوق نیست، تاریخ زکریا و یحیی بر تاریخ بخت النصر و اسپانوس یا انطیاخوس قابل انطباق نیست؛ چرا که بخت النصر معاصر ارمیا یا دانیال پیامبر بوده، و قیام او حدود ششصد سال پیش از زمان یحیی علیه السلام صورت گرفته است. بنا بر این، چگونه قیام بخت النصر می‌تواند برای انتقام خون یحیی باشد؟!^۳

در تفسیر قمی دشمنی بنی امیه با اهل بیت به دشمنی بنی اسرائیل با انبیا تشبیه شده است و از آن‌جا که یهودیان در تلاش بودند تا نور الهی را خاموش کنند، عملکرد امویان، مصداق عمل یهودیان دانسته شده است و تطبیق مصادیق آن در قالب روایات تأویلی و تفسیری بازتبیین شده

۱. قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۴.

۲. طبری، دلائل الامامه، ج ۱۵ ص ۱۷.

۳. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۲ ص ۲۹.

است؛^۱ اما این رویکرد همان گونه که علامه جعفر مرتضی دریافته است، تلاش برای نظیریابی مصداق است و تأویل به حساب می‌آید، نه تفسیر.^۲

ابهام سوم: بیگانگی روایات تفسیری از سایر روایات مرتبط

تحلیل فرجام‌گرایانه اتفاقات منطقه شامات از دیدگاه روایات در پرتو خانواده حدیثی نشان می‌دهد بین نابودی اسرائیل در آخرالزمان و فساد دوم ایشان، ارتباطی وجود ندارد. از منظر این روایات، در زمانی که قوای عرب تجزیه و قدرت آنان تحلیل رفته است؛ یهود از غرب می‌آید تا دولت خود را در فلسطین تشکیل دهد؛ اما این وضع زیاد طول نمی‌کشد و عرب قدرت خود را باز می‌یابد و فلسطین را فتح می‌کند.

این اتفاق زمانی روی می‌دهد که اعراب سه بار وارد معرکه جنگ می‌شوند و دریای خون شکل می‌گیرد و کشته‌ها در خون می‌غلتنند؛ اما بار چهارم خداوند ایشان را یاری می‌کند و پیروز می‌شوند؛ چنان که در روایت آمده است اعراب در این مرحله به کشتار و ریشه کنی یهود از فلسطین می‌پردازند.^۳ تعبیر «یذبحون ذبح التّعاج حتی لا یبقی یهودی فی فلسطین»؛ نشان می‌دهد اثری از یهودیان پس از مرحله چهارم جنگ اعراب با آنان در فلسطین باقی نمی‌ماند.

گذشته از صحت و سقم سند و محتوای روایت مذکور، چنان که پیداست از یک سو نابودی یهود در پی فساد آنان در زمین نیست و از سوی دیگر، کشتار یهود وعده الهی و تحقق قضای الهی در باره بنی‌اسرائیل نیست. به همین لحاظ، اگر روایت مذکور را بپذیریم باز هم با مشکل جری و تطبیق روبه‌رو هستیم و با مصداقی متفاوت از نابودی بنی‌اسرائیل مواجه می‌شویم که با روایات تأویلی همخوانی ندارد. به همین دلیل، ابهام در باره نابودی بنی‌اسرائیل همچنان باقی است و محملی برای اتفاقات کنونی قضیه فلسطین پیدا نمی‌کنیم.

علاوه بر روایت مذکور، در روایت نبوی دیگر که زهری آن را نقل کرده، به نابودی یهود اشاره

۱. قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۴.

۲. عاملی، الصحیح من سیره‌النبی الاعظم، ج ۳، ص ۴۷.

۳. زنجانی، عقائد الامامیه، ص ۲۷۵.

شده است و بر اساس آن مسلمانان در جنگ با یهود بر آنان مسلط می‌شوند و ایشان را از بین می‌برند. دقت در تعبیر «فتسلطون علیهم حتی یقول الحجر: یا مسلم، هذا یهودی ورائی فاقتله»؛^۱ نشان می‌دهد نابودی یهود به دست مسلمانان واقع می‌شود و دست آخر این مسلمانان هستند که فاتح میدان خواهند بود.

اما؛ چنان‌که پیداست وعده الاهی معلول اسباب و مسببات است؛ حتی اگر آن را معجزه بدانیم اسباب و مسببات زمان تحقق آن را تسهیل یا تسریع می‌کنند؛ لکن اگر روایات به علتی ناظر نباشند که در پی آن وعده الاهی روی دهد، از این بحث کنار گذاشته می‌شوند. بر این اساس، در روایت مذکور، هم نابودی یهود وعده الاهی به شمار نمی‌آید و با روایات تأویلی ارتباطی ندارد. بر فرض صحت سند و دلالت روایت مذکور، مصداق دیگری برای سرگذشت یهود مطرح می‌شود که ابهام در تعیین مصداق را افزایش می‌دهد.

ابهام چهارم: عدم همخوانی زنجیره وقایع بنی اسرائیل

تدبر در آیات اولیه سوره اسراء نشان می‌دهد زنجیره دو فساد، علو و عقوبت متعاقب آن‌ها به هم متصل است و به لحاظ زمانی نمی‌توانند از هم فاصله زیادی داشته باشند. تعبیر «لَتُفْسِدَنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَ لَتَعْلَنَّ عَلْوًا كَبِيرًا»؛ نشان می‌دهد واژگان مورد استفاده در آیه شریفه، مضارع و به آینده ناظر است و لحن و سیاق آیه اخبار با هشدار و تحذیری همراه است که وعده عذاب را پی دارد.

علامه طباطبایی با دریافت حقیقت مذکور، معتقد است: بنی اسرائیل در هر دو نوبت فساد از سوی يك طایفه سرکوب شد؛ و گرنه خداوند در قرآن نمی‌فرمود «مَّمَّ رَدَدْنَا لَكُمْ الْكُرَّةَ عَلَیْهِمْ». بر پایه این عبارت، خداوند بنی اسرائیل را نیرو بخشید تا توانستند بر دشمنان بار اول خود غلبه کنند جمله «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ» نیز بر این اشعار دارد که برای نوبت دوم بر همان دشمنان غلبه کردند. علامه بازگشت ضمیر جمع در این جمله به «عِبَادًا لَنَا» را دلیل خود قرار داده

۱. ابن حماد، الفتن، ص ۳۹۱.

است.^۱ بنابراین، از دیدگاه علامه وعده الهی در باره بنی اسرائیل تحقق نیافته است. به تبع آن، تحولات شامات را نمی‌توان بر گزارش‌های آخرالزمان تطبیق کرد.

جمع‌بندی دیدگاه‌های مفسران در باره تأویل آیات اولیه سوره اسراء نشان می‌دهد وحدت نظری در باره تحقق وعده اولی وجود ندارد. براین اساس، نمی‌توان تحولات کنونی منطقه شامات را در شمار مصادیق تأویل آیات نخستین سوره اسراء قرار داد.

اما واقعیت آن است که سنت‌های الهی، از جمله سنت مداوله^۲ که در تحولات منطقه شامات، به ویژه در سوریه و فلسطین جاری است، نشان از حتمی بودن تحقق وعده الهی است؛ هرچند ممکن است اتفاق مهم در ورای آن برای عده‌ای ملموس نباشد؛ با وجود این، رویدادهای پیش‌ظاهر در حال تحقق است و به محض رسیدن زمان مناسب، نتایج آن آشکار خواهد شد. به این لحاظ، دیگر زود نیست که تحولات منطقه شامات را پایان سلطه صهیون و متحدانش بر منطقه بدانیم؛ چنان که در قرآن کریم آمده است:

﴿قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِذْ أَلْحَدَى الْمُؤْمِنِينَ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بَأْيَدِنَا فَوَلَّوْنَا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ﴾^۳؛ بگو: آیا درباره ما جز یکی از دو نیکی [پیروزی یا شهادت] را انتظار می‌برید؟ در صورتی که ما درباره شما انتظار می‌بریم که خدا از سوی خود یا به دست ما عذابی به شما برساند! پس انتظار برید که ما هم با شما منتظریم.

ارتباط اتفاقات واقع در شامات، به ویژه فلسطین با ظهور

تحلیل‌گران سیاسی براین باورند که جبهه مقاومت معادلات غرب آسیا را تغییر داده و به تعبیر مقام معظم رهبری، اسرائیل را با شکست ترمیم‌ناپذیر مواجهه کرده است. درحقیقت، آنان در حال از بین بردن رژیم هستند که در میدان، حضور غاصبانه دارد. غرب آسیا و به تعبیر دقیق‌تر،

۱. طباطبایی، المیزان، ج ۱۳، ص ۵۹.

۲. سنت «مداوله» به دست به دست شدن حکومت‌ها و تغییر دولت‌ها اطلاق می‌شود.

۳. توبه: ۵۲.

جغرافیای ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با نابودی دولت غاصب اسرائیل امنیت بیش‌تری برای مسلمانان و بستر بهتری برای ظهور را پیدا می‌کند و امروز جبهه مقاومت در حال برگردان میدان به نفع جبهه حق و ضرر جبهه باطل است. از این رو، تحولات منطقه شامات بی‌ارتباط با ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست.

بدون شک همان گونه که مقام معظم رهبری فرموده‌اند، قضیه فلسطین کلید رمزآلود گشوده شدن درهای فرج به روی امت اسلامی است.^۱ البته فرج، مفهوم گسترده‌ای دارد که امر ظهور مرحله نهایی آن است.^۲ از این منظر ممکن است تحولات شامات و به‌یژه قضیه فلسطین به مثابه نزدیک شدن ظهور نباشد و ما بتوانیم وضعیت کنونی را بر گزارش‌های وارده در روایات تطبیق دهیم؛ لکن با دقت در این گونه روایات نمی‌توانیم هندسه تحقیق را به هم بزنیم و از اتفاق مهم و قابل توجه تحقق سنت‌های الهی در جغرافیای ظهور چشم‌پوشیم.

برای نمونه، مسلم از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است که خداوند مسیح بن مریم را مبعوث می‌کند؛ او در کنار مناره سفید رنگی در قسمت شرقی دمشق فرود می‌آید؛ دجال را دنبال می‌کند تا اینکه او را در کنار درب لد^۳ می‌یابد و به قتل می‌رساند.^۴ چنان‌که پیداست به استناد این روایت کشتن دجال پس از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بعد از نزول عیسی علیه السلام است؛ اما مسلم است که شهر لد در فلسطین طبق گزارش‌های تاریخی و دیدگاه روایی در جغرافیای ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موضوعیت دارد و مشمول تحقق سنت الهی و تغییر میدان به نفع جبهه حق و مقاومت است. به این لحاظ، جولان اسرائیل در آن به معنای مصونیت از تحقق وعده الهی نیست و در حقیقت

۱. کنفرانس بین‌المللی قدس و حمایت از حقوق مردم فلسطین، ۱۳۸۵/۱/۲۵.

۲. معنوی، تحلیل شناختی مسئله انتظار از منظر مقام معظم رهبری، پژوهشنامه موعود، ش ۱۱.

۳. لد (هفت کیلومتری فرودگاه بن‌گورین به سمت رمله و یافا) شهری در فلسطین اشغالی است. در گذشته آن را جزو منطقه شام دانسته‌اند. نخستین واقعه برخورد مسلمانان با رومیان در زمان خلافت خلیفه اول، در سرزمین فلسطین بود و فرماندهی سپاه را عمرو بن عاص بر عهده داشت. سپس وی غزه را فتح کرد و پس از آن، سبسطیه و نابلس را گشود و بر مردم آن دیار جزیه مقرر و سپس شهر لد و نواحی آن را فتح کرد. (بالذری، فتوح البلدان ترجمه محمد توکل، ص ۲۰۰).

۴. مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۹۸.

اتفاقاتی را در این سرزمین رقم می‌زنند که موجبات تحقق وعده الهی را فراهم می‌آورند.

قضیه فلسطین، شاخص راهنمای دنیای اسلام

واقعیت آن است که رژیم صهیونیستی و حامیانش تمام امکانات خود را به کار گرفتند تا مسلمانان از اصول خود چشم‌پوشند و نتوانند شاخص‌های راهنما را پیدا کنند. مقام معظم رهبری با اشاره به این مطلب، فرمودند که دشمنان برای چشم‌پوشیدن مسلمانان از اصول خود و یا حداقل کم‌رنگ شدن این اصول، تلاش‌های پیچیده‌ای دارند که اگر این هدف دشمن تحقق یابد، امت اسلامی شاخص‌های راهنما را گم می‌کند و محکوم قواعدی می‌شود که دشمن تعیین کرده است و نتیجه این تسلیم از هم‌اکنون معلوم است.^۱

بر این اساس، رژیم خبیث صهیونیستی با عملیات پیچیده روانی و نظامی سعی می‌کند با توسعه روابط خود با کشورهای اسلامی و عادی‌سازی روابط با آن‌ها یهودی‌سازی منطقه اسلامی را پیش ببرد و باطن اسلام‌زدایی آن را پنهان سازد تا قدرت اسلام و حکمرانی آن را تضعیف کند.

در این میان جبهه مقاومت و مجاهدان آن با مبارزه بی‌وقفه دشمن صهیونیست را در دور کردن مسلمانان از شاخص‌های مهم اسلامی ناکام گذاشتند و با مبارزه با طاغوت، قاعده بازی جنگ را به نفع مسلمان تغییر دادند. آنان به عنوان شاخصی راهنما در رویارویی حق و باطل در مقابل باطل ایستاده‌اند و با دشمن‌گذاری که حتی به تسلیم شدگان رحم نمی‌کند و از توهین به مقدسات اسلامی^۲ ابایی ندارد؛ مبارزه می‌کنند.

با وجود این، جهاد جبهه مقاومت اگر در شمار زمینه‌سازی برای ظهور نباشد، بدون شک در شمار برطرف کردن موانع ظهور، از جمله ظلم است؛ چرا که نا کارآمدی نظام بشری را برای مبارزه با ظلم به نمایش گذاشت و ثابت کرد که وجود حکومت عدل الهی برای از بین بردن ظلم برای بشر ضروری است؛ به گونه‌ای که آنان توانستند اشتیاق به ظهور منجی الهی را برای نجات از بی‌عدالتی افزایش دهند و جهانیان را در اعتراض به ظلم صیونیست‌ها با خود همراه کنند.

۱. کنفرانس بین‌المللی قدس و حمایت از حقوق مردم فلسطین، ۱۳۸۵/۱/۲۵.

۲. آتش زدن قرآن در حمله صهیونیست‌ها به مساجد فلسطین.

شاخص بودن قضیه فلسطین حقایق را آشکار ساخته است که قبل از آن هرگز تا کنون در این حد شناخته نشده بودند؛ چنان که در قرآن کریم برای اشاره به این حقیقت آمده است:

﴿ مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظِلَّكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مَنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَأَمُونُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ إِن تُؤْمِنُوا وَ تَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ ۱﴾

افشای چهره واقعی دشمن خونخوار و سگ‌هار رژیم صهیونیستی و فاصله رفتار آنان با دین یهود به حدی بوده است که امروز موجب انزجار خاخام‌های یهودی از رژیم صهیونیستی و پیوستن ایشان به جمع معترضان و حامیان جبهه مقاومت شده است. نقض آشکار حقوق بشر و نسل‌کشی توسط صهیونیست‌ها، به‌اندازه‌ای برای جهانیان آشکار شده که در دانشگاه‌های مختلف آمریکا و سایر نقاط جهان مورد اعتراض واقع شده است.

اعتراضات گسترده دانشجویی و دفاع از جبهه مقاومت در حقیقت، در تمیز خبیث از طیب ریشه دارد که بر اثر آن، امروز جهان، اسرائیل را خبیث و غزه را به عنوان طیب جهان شناخته است. طوفان اقصا موجب شده است دانشجویان دانشگاه‌های آمریکا، به تعبیر مقام معظم رهبری، در طرف درست تاریخ قرار گیرند و از جبهه مقاومت به شمار آیند. (نامه امام خامنه‌ای به دانشجویان آمریکایی معترض).

جبهه مقاومت میدان امتحان و تاب‌آوری منتظران در مبارزه با ظلم

تأمل در آیات قرآن کریم نشان می‌دهد خداوند متعال در نظام خلقت بنا را بر مغزکوب کردن باطل نهاده است چنان که در قرآن آمده است: ﴿بَلْ تَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ﴾^۲. از منظر روایات نیز دولت باطل، ناپایدار دانسته شده و از آن به «جوله» تعبیر شده است.^۳ به این لحاظ، سیاست‌های ظالمانه باطل و قدرت استکبار در نظام آفرینش پابرجا نمی‌ماند و

۱. ال عمران: ۱۷۹.

۲. انبیاء: ۱۸.

۳. للباطل جوله.

باطل و ایادی آن از جمله آمریکا و اسرائیل تا ابد به قوت خود باقی نخواهد ماند و خداوند به ایشان اجازه نخواهد داد تا هر بلایی بر سر مسلمانان و مظلومان بیاورند؛ چنان که این اجازه به مستکبران قبل از آن‌ها از جمله فرعون هم داده نشد.

هرچند این وعده الهی قطعی است؛ تحقق آن به سربلند بیرون آمدن منتظران از امتحان یاری ولی خدا مشروط است. ابی بصیر در این باره از امام صادق عنه السلام نقل کرده است که اصحاب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همانند اصحاب طالوت مورد آزمایش قرار می‌گیرند.^۱

براین اساس، هویت انتظار ایجاب می‌کند منتظران با غایت و مبانی مهدویت هماهنگ باشند و از آشوب گسست‌های بینشی و تعارض‌های رفتاری در امان باشند. لذا بسیار مهم است که منتظران عیناً در پی مطالبه همان حقیقتی باشند که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای آن ظهور می‌کند. درحقیقت، آنچه به انتظار ارزش می‌بخشد و آن را در صدر اعمال امت پیامبر صلی الله علیه و آله قرار می‌دهد، لحظه شماری و صبوری برای حل مشکلات شخصی و منطقه‌ای نیست، بلکه انتظار به معنای دقیق و وسیع آن، برای نابود کردن ظلم در سرتاسر جهان است.^۲

در این میان، قضیه فلسطین به عنوان عرصه امتحان، این فرصت را پیش روی جامعه منتظر قرار داده است تا با شاخص قرار دادن آن به عنوان سنگ محک، انتظار خود را در میدان عمل راستی‌آزمایی کند. موفقیت در آزمون همگرایی با قضیه فلسطین و حمایت از آنان درحقیقت، موفقیت در آزمون مبارزه با ظلم و سنجش میزان خلوص انتظار است. به این لحاظ، قضیه فلسطین نمی‌تواند با ظهور بی ارتباط باشد. قضیه فلسطین از این منظر، یکی از امتحانات مهم دوران غیبت به شمار می‌رود که موفقیت در آن به تاب آوری و مقاومت در مقابل ظلم منجر می‌شود که خود به بروز و ظهور عملی انتظار منتهی می‌گردد.

به این لحاظ، اهمیت طوفان الاقصی و آنچه امروز در منطقه شامات روی می‌دهد، از آن جنبه است که این اتفاق، در حقیقت، یک تغییر قابل توجه در جهت سیر تکامل تاریخ و بلوغ جامعه

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۶.

۲. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۲.

اسلامی برای پذیرش ظهور است. بدون شک، نتیجه موفقیت در این امتحان، به لحاظ مبارزه با طاغوت و بلوغ اجتماعی که ایجاد می‌کند؛ در تسریع ظهور مؤثر است؛ چرا که جبهه مقاومت به مقابله با ظلم برخاسته است و با تلاش مجاهدانه خود در دفاع از حق، با باطل و طاغوت و مظاهر آن در جهان مبارزه می‌کند و اگر تلاش آنان نبود محلی برای عبادت و مرکزی برای بیداری اسلامی و تبلور تمدن اسلامی وجود نداشت؛ چنان که در قرآن کریم آمده است:

﴿وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾^۱

از این حیث، مبارزه با اسرائیل در اصل مبارزه با طاغوت و در حقیقت توسعه مساجد برای ذکر خدا و اعتلای توحید است که همان کارویژه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف است.

همگرایی جبهه مقاومت با فرج امت اسلامی

واقعیت آن است که تحولات منطقه شامات و آنچه امروز در سوریه و فلسطین می‌گذرد، از دیدگاه روایات، به صورت مستقیم در شمار پدیده‌های مرتبط با حوادث پیش‌ظاهر قرار نمی‌گیرد و گزارش روایی ناظر به اتفاقات کنونی در این زمینه یافت نشد؛ لکن همگرایی تلاش جبهه مقاومت با امر فرج، غیر قابل انکار است و از چند جنبه در زمینه سیر تکامل تاریخ و هماهنگی با فرجام تاریخ است.

الف) قضیه فلسطین کلید رمزآلود گشوده شدن درهای فرج به روی امت اسلامی

از دیدگاه ائمه، مقوله انتظار، بزرگ‌ترین فرج دانسته شده است. تعبیر «انتظار الفرج من اعظم الفرج»^۲؛ گواه این است که انتظار فرج، خود خاستگاه فرج است. برآمد تحلیل روایات انتظار این است که این دوران، فرصت غلبه بر فتنه‌های دوران غیبت و مبارزه با سوگیری فاجعه‌سازی از فساد آخرالزمان در ذهن جامعه اسلامی است تا جامعه منتظر با اتکا بر آن به عنوان فرصتی برای

۱. حج: ۴۰.

۲. صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۳۲۰.

ممکن، به آموزه‌های دینی کافر هستند. در این شرایط، فلسطینیان و جبهه مقاومت جز مبارزه و دفاع از خود چاره‌ای ندارند. در حقیقت، مبارزه آنان ایشان را مشمول سنت و نصرت الاهی قرار می‌دهد و اگر مبارزه نکنند جایی برای امید به نصرت الاهی وجود ندارد؛ چنان که در قران کریم آمده است:

﴿وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأُدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾^۲ «اگر کافران با شما بجنگند حتماً پشت به شما کرده، می‌گریزند؛ آن گاه یآوری نمی‌یابند. خدا سنت ثابت مقرر کرده است که بر اساس آن پیروزی برای مؤمنان و شکست برای کافران است و هرگز برای سنت الاهی تغییری نخواهی یافت.

تدبر در آیه شریفه نشان می‌دهد لشکر کفر شکست ناپذیر نیست و به اصطلاح گنبد آهنین برای جبهه مقاومت غیر قابل نفوذ نیست و از آن جا که سنت الاهی به نصرت مؤمنان و جبهه حق تعلق گرفته؛ خداوند چنین مقرر کرده است که دشمنان در میدان مبارزه پیروز نباشند و پشتیبان و یآوری برای ایشان وجود نداشته باشد. به این لحاظ، جبهه مقاومت در صورت مبارزه، حتماً دشمن صهیونیستی را شکست خواهد داد و آن‌ها با پشت کردن به جبهه مقاومت از میدان می‌گریزند. اما اگر مبارزه‌ای در کار نباشد، میدان در اختیار دشمن باقی می‌ماند.

علاوه براین، از دیدگاه آیات قران کریم بدون شک، خداوند متعال مؤمنان را یاری خواهد کرد؛ چنان که در قران کریم آمده است: ﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾^۳ به این لحاظ، جبهه مقاومت از سوی خداوند متعال یاری می‌شود. قطع به یقین جبهه مقاومت، به خداوند متعال مؤمن است و تلاش آنان عرصه را برای نصرت الاهی آماده می‌کند.

در دیدگاه قرآنی مقام معظم رهبری، با عنایت به سنت‌های الاهی در اشاره به این مطلب آمده است: خداوند متعال به بنی اسرائیل خطاب می‌کند: ﴿لَتُفْسِدَنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوجًا

۱. فتح: ۲۲.

۲. همان، ۲۳.

۳. روم: ۴۷.

کبیراً^۱ هر امتی که با صلاح یا سلاح حق و حقیقت و عدالت طلبی حاضر شود راه طبیعی سنت‌های الهی تاریخ را بپیماید، خدا به او کمک خواهد کرد؛ اما هر ملتی فساد کند، بر مستضعفان طغیان کند، ارزش‌های انسانی را نادیده بگیرد، آن ملت به فنا و نابودی محکوم است.^۲

رویکرد تحلیلی مقام معظم رهبری به نصرت الهی در باره فلسطین در پاسخ به نامه اسماعیل هنیه و رئیس دفتر حماس به وضوح نمایان است. ایشان با استناد به آیه «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُيَسِّتْ أَقْدَامَكُمْ»^۳، «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»^۴ در پاسخ به نامه‌ها^۵ همواره بر تحقق سنت یاری الهی در مورد جهاد اسلامی فلسطین تأکید کرده‌اند. از این رو، جبهه مقاومت اسلامی با حرکت در مسیر سنت‌های الهی هماهنگ با ظهور امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى و به پیش می‌رود و به این لحاظ جبهه مقاومت در سمت صحیح تاریخ و تمدن جدید اسلامی قرار گرفته و مشمول نصرت الهی است.

۱. اسرا: ۴.

۲. خطبه نماز جمعه، ۱۳۹۵/۵/۱۷.

۳. محمد: ۷.

۴. حج: ۴۰.

۵. نامه‌ها، ۱۴۰۰/۳/۳.

نتیجه‌گیری

بررسی سرگذشت قوم بنی اسرائیل از دیدگاه آیات قران کریم نشان می‌دهد استعلا و فساد این قوم مشمول قضا و وعده برگشت ناپذیر الاهی است؛ لکن با توجه به آشفتگی و ابهامی که در باره حقیقت و هویت بنی اسرائیل و تأویل «اولی باس شدید» از دیدگاه مفسران مشاهده می‌شود، وحدت نظری درباره مصداق این عناوین شکل نگرفته است تا براساس آن نابودی بنی اسرائیل به دست اصحاب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اثبات شود.

در دست نبودن اطلاع دقیق از قوم بنی اسرائیل و زیست بوم ایشان نیز اجازه نمی‌دهد رژیم صهیونیستی در انتهای زنجیره فساد قوم بنی اسرائیل قرار گیرد تا نابودی آن را زمینه ظهور بدانیم. با وجود این، سنت‌های الاهی، از جمله سنت مداوله در باره تحولات منطقه شامات و اتفاقات فلسطین و شام جریان دارد و وعده الاهی قطعی است. به این لحاظ تلاش رزمندگان جبهه مقاومت مشمول نصرت الاهی است. آنان با قرار گرفتن در طرف درست تاریخ در مسیر تکامل تاریخ و تمدن اسلامی و فرجام شیرین آن به سوی ظهور گام برمی‌دارند.

قرآن

۱. سید قطب، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دارالشرق، ۱۴۰۸ ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، *النخصال*، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۶۲.
۳. —، *امالی*، تهران، کتاب چی، ۱۳۷۶.
۴. —، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران، نشر الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
۵. —، *من لایحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۶. ابن حماد، نعیم، *الفتن*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۳ ق.
۷. ابن شعبه، حسن بن علی، *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۸. ابن طاووس، سید علی، *التشریف بالمنن فی تعریف الفتن*، قم، صاحب الامر، ۱۴۱۶ ق.
۹. امیری، مصطفی، *مارقه الروم قم*، جمکران، ۱۴۰۲.
۱۰. انصاری زنجانی، *ابراهیم*، بی جا، مکتب اسلام، ۱۳۹۱.
۱۱. برقی، احمد بن محمد، قم، نشر دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۱۲. بلاذری، احمد بن یحیی، *فتوح البلدان*، لبنان، مکتبه الهلال، ۱۹۹۸ م.
۱۳. حرعاملی، محمد بن حسن، بیروت، *اثبانه الهداه*، ۱۴۲۵ ق.
۱۴. خامنه‌ای، سید علی، انسان ۲۵۰ ساله، تهران، صهبا، ۱۳۹۰.
۱۵. —، *طرح کلی اندیشه اسلامی*، تهران، مؤسسه ایمان جهادی، ۱۳۹۲.
۱۶. دهقانی، زهیر، *پنجه بر آفتاب*، قم، انتشارات مرکز تخصصی مهدویت، ۱۴۰۰.
۱۷. رضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴.
۱۸. زنجانی، سید ابراهیم، *عقائد الامامیه*، قم، انتشارات حضرت مهدی، ۱۳۷۸.
۱۹. شریف، علیرضا، مطهری نژاد، سید مجید، همتی یوسف، ارزیابی دیدگاه مفسران در وقوع فساد و سرکوبی بنی اسرائیل قبل از اسلام. *فصلنامه مطالعات تفسیری*، ش ۱۳، ۱۴۰۱.
۲۰. شهبازیان، محمد، باغلی، محمد، بازخوانی دیدگاه تحریف‌گرایانه رابطه فلسطین و ظهور

- در پرتو ضرورت توجه به سنت‌های الهی، **فصلنامه انتظار موعود**، ش ۸۳، ۱۴۰۲.
۲۱. طبری آملی، محمد بن جریر، **دلائل الامامه**، قم، بعثت، ۱۴۱۳ق.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن، **غیبت**، قم، دارالمعارف، ۱۴۱۱ق.
۲۳. عاملی، سید جعفر مرتضی، **الصحيح من سيره النبي الاعظم**، قم، بعثت، ۱۴۲۶ق.
۲۴. عیاشی، محمد، **تفسیر عیاشی**، تهران، مطبعة العلمیه، ۱۳۸۰.
۲۵. قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر قمی**، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، **الکافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۷. مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۸. معنوی، سید مجتبی، **تحلیل شناختی مسئله انتظار از منظر مقام معظم رهبری**، پژوهشنامه موعود، ش ۱۱، ۱۴۰۳.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۷۴.
۳۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم، **غیبت**، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.
۳۱. نیشابوری، مسلم بن حجاج، **صحیح**، قاهره، دارالحدیث، ۱۴۱۲ق.

32. Khamenei. ir